



با ۵ درصد نقدینگی کشور می‌توان استرس فروش نفت را پایان داد

۳ دانشجوی صاحب ایده در حوزه انرژی در میزگردی راهکارهای فوری و بلندمدت برای عدم کاهش فروش نفت ارائه دادند



محمدرضا حیاتی

روزنامه‌نگار

با خروج آمریکا از برجام ووضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، محدود کردن صادرات نفت، به‌عنوان یکی از سیاست‌های دولت ترامپ برای برهم‌زدن شرایط اقتصادی و درآمدی کشور بود، مساله‌ای که صادرات نفت ایران را با کاهش همراه کرد و با پایان معافیت‌های نفتی تعدادی از شرکای نفتی ایران ازجمله، هند، چین و کره جنوبی، این موضوع با نگرانی‌ها و ابهامات تازه‌ای همراه شده است که آیا فروش نفت بعد از پایان معافیت‌ها امکان‌پذیر است؟ آیا راهکارهای فوری، کوتاه‌مدت و بلندمدت برای پایان دادن به تاثیرگذاری‌های تحریم نفتی در دل دولت یا محافل دانشگاهی و پژوهشی اندیشیده شده است؟ همین مساله بهانه‌ای خوبی‌شد تا سراغ سه تن از محققان دانشگاهی و صاحب‌نظر که ایده‌های «عملیاتی» بدون «محدودیت» برای فروش نفت دارند، برویم و میزبان آنها در روزنامه «فرهیختگان» باشیم،سیداحسان حسینی دانشجوی دانشگاه تهران، حمیدرضا اکبری دانشجوی دانشگاه مالک‌اشتر و حسن حیدری از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ما را در این میزگرد همراهی کرده‌اند.

سیداحسان حسینی تحریم‌های نفتی کلاسه بخش است؛ یکی تحریم‌های عرضه نفت است، یعنی آمریکای آیدبراساس اختیاراتقوانینی کهتصویب‌می‌کندخرداران نفت ما را تحریم می‌کند، مثلاً می‌گوید کشور کره جنوبی یا چین حق ندارد از ایران نفت بخرد، اگر بخرد، خود آمریکا تحریم می‌کند. از سال ۹۰ بود که آمریکا طبق اختیارات ملی خود قانونی را به این نام تصویب کرد که خرداران نفت ایران را ملزم کرد در بازه‌های ۶ ماهه واردات نفت‌شان را از ایران کاهش بدهند و هر ۶ ماه وزارت خزانه‌داری آمریکا بررسی می‌کرد که آیا این کشورها به تعهدات‌شان عمل کردند یا خیر و اگر عمل می‌کرد، مجدد یک مقدار معافیت را قائل می‌شد. این روند ادامه داشت و همین سناریو الان هم پیاده می‌شود، یعنی بعد از برجام که صادرات نفت ما از یک میلیون به ۲/۵ میلیون بشکه رسید با خروج از برجام صادرات دوباره یک سیر نزولی گرفت و از ۲/۵ میلیون بشکه به یک میلیون بشکه رسید.

طبق آخرین آمار الان صادرات‌مان به ۱/۲ میلیون بشکه در روز رسیده است که این موضوع هنوز با اعمال معافیت‌های گام دوم مشخص نشده است. از اردیبهشت سال قبل که ترامپ از برجام خارج شد تا ۱۳ آبان صادرات نفت‌مان کاهش یافت که ۱۳ آبان فاز جدید تحریم‌های نفتی بود. فاز اول تحریم‌ها شروع شد و الان با گذر از ۲۲ اردیبهشت‌ماه احتمالاً صادرات نفت ما کاهش پیدا می‌کند، البته به صفر نمی‌رسد ولی شواهد نشان می‌دهد صادرات نفت ممکن است به کمتر از یک میلیون و حتی زیر ۷۰۰ هزار بشکه هم برسد، یعنی افت شدیدی خواهیم داشت.

۹ در برجام هم پول نفت را نمی‌گرفتیم

تحریم نوع دوم که در حوزه صنعت نفت به ما وارد شد، مربوط به دریافت پول فروش نفت بود. از زمستان سال ۹۰ قانون اختیارات دفاع ملی آمریکا مصوبه‌ای تصویب کرد که براساس این قانون بانک مرکزی ایران نمی‌توانست طرف تراکنش‌های غربی قرار بگیرد، یعنی آمریکا بافت هر بانکی یا بانک مرکزی ایران تراکنش مالی داشته باشد ما همان بانک خارجی را تحریم یا جریمه‌اش کرده‌اممنوعیت ارتباط با سیستم‌های مالی آمریکا را اعمال می‌کنیم، طبق این قانون ما نتوانستیم پول نفت را به کشور برگردانیم، حتی بعد از برجام هم هنوز پول نفت بر نمی‌گشت و این تحریم بانکی هنوز با برجا باقی مانده بود، سوئیتف هم که آزاد شده بود ولی باز هم تراکنش مالی صورت نمی‌گرفت. نوع سوم تحریم‌ها مربوط به تحریم حمل‌ونقل بود، یعنی نفتکش‌های ایران و بیمه‌های آنها تحریم‌شدو ایران نمی‌توانست از نفتکش‌های دیگر و از بیمه‌هایی که متداول بودند در دنیا استفاده کند. هدف از این تحریم‌ها این بود که آنها می‌گفتند اگر کسی از ایران نفت نخرودپولش را هم دریافت نکند، شایدخود ایران اقدام به فروش نفتکش‌های خود کند که این موضوع را نیز تحریم کردند. این سه نوع تحریمی بود که ما از سال ۹۰ با آن مواجه بودیم و در برجام به حالت تعلیق درآمدو با خروج آمریکا از برجام مجدد با بازگشت.

۹ آمریکا ۱۰ سال روی تحریم‌ها مطالعه کرده است

اما بحث اینکه ما با تحریم‌ها می‌خواهیم چه کار کنیم، قطعاً حاوی یک سری راهکارهاست؛ مثلاً عرضه نفت در بورس یا ساخت پتروپالایشگاه از عمده راهکارهاست. واقعیت این است که راهکارهایی که درحال حاضر وجود دارد، راهکارهای کوتاه‌مدتی نیست، نمی‌شود آمریکا ۱۰ سال روی تحریم‌های ایران کار کند بعد ما بخواهیم دو ماهه همه تحریم‌ها خنثی شود. اگر دنبال راهکار کوتاه‌مدت هستیم، بیایم از ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران استفاده کرده و سفارتخانه را فعال کنیم و با بخش‌های خصوصی کشورهای خارجی چانه‌زنی کرده و به آنها برای فروش نفت‌مان تخفیف بدهیم، این راهکارهای فعلی است. مثلاً در بورس نفت بگوییم یک میلیون بشکه در روز می‌خواهد بفروشد یا در پتروپالایش می‌خواهیم نفت را به فرآورده تبدیل کنیم و بفروشیم، اینها یک سری راهکارهایی است که چهار یا پنج سال آینده جواب می‌دهد ولی ما باید چهار، پنج سال پیش شروع می‌کردیم که نکردیم، البته همین الان هم شروع کنیم، غنیمت است که حداقل چهار، پنج سال آینده خیال‌مان از فروش نفت راحت‌شود.

صورت دیگر مساله این است که ما نفت داریم، می‌خواهیم با آن چه کار کنیم، یعنی باید بین فروش و تولید فرآورده تصمیم‌گیری کنیم. به نظر من بحث اینکه ما از راه‌های مختلف می‌خواهیم نفت را بفروشیم، باید بررسی شود. اگر نمی‌خواهیم نفت را بفروشیم، یک سری راهکارها هست؛ ۱- فروش ۲- توسعه پتروپالایشگاه. ما بیاییم از بین این گزینه‌های یکی را انتخاب کنیم، انتخاب من این است که نفت را به پالایشگاه‌ها تزریق کنیم و فرآورده تولید کرده و بفروشیم، چرا؟ چون فروش فرآورده خیلی راحت‌تر از فروش نفت است، یعنی اگر ما از اول روی توسعه صنعت پالایشی سرمایه‌گذاری می‌کردیم، دیگر الان بابت اینکه نفت را بخواهم بفروشیم، نگرانی‌ای نداشتمیم.

در فرآورده‌ها، حجم محموله‌ها خیلی پایین است و در مقایسه با صادرات نفت که باید با حجم بالا صادر شود، قطعاً به‌صرفه‌تر و در این شرایط، فروش آن راحت‌تر است.

۹ با فروش فرآورده، آمریکا دیگر قدرت تهدید ندارد

بحث بعدی، مساله تعداد خرداران است، بازار نفت یک بازار شناخته‌شده است، ما در ایران به ۴۲ پالایشگاه مختلف دنیا نفت می‌فروشیم، این ۴۲ پالایشگاه در هفت یا هشت کشور هستند، کافی است آمریکا تعدادی از کشورها را تهدید کند که از ایران نفت نخرند ولی بازار فرآورده‌ها این گونه نیست، بله، این بازار از ۴۲ به صدها خردار می‌رسد، هر بخش خصوصی می‌تواند این فرآورده را از ما بخرد و در واقع یک شبکه موزیرگی ایجاد می‌شود.

بحث بعدی بحث فاصله از مقصد است، اگر ما بخواهیم نفت را بفروشیم، باید برویم چین یا شرق آسیا با آن مسافت طولانی، نفت را صادر کنیم ولی اگر تولید فرآورده داشته باشیم، آن موقع می‌توانیم به همین کشورهای همسایه که متقاضی فرآورده نفتی هستند، تولیدات‌مان را به فروش برسانیم.

۹ بازار منطقه‌ای نیاز ما به فروش نفت را برطرف می‌کند

حسن حیدری بحث بازار منطقه‌ای محصولات پتروپالایشگاهی می‌تواند بحث را تکمیل کند، نکته مهم اینجاست که در حوزه فروش فرآورده‌های پتروپالایشگاه در بازار منطقه به قدری عدد و رقم‌ها بالاست که اگر در بازار جهانی نتوانستیم یک قطره نفت بفروشیم، به‌راحتی نیاز بازار منطقه این موضوع را پوشش می‌دهد. درخصوص بازار منطقه‌ای مطالعات نشان می‌دهد که کشورهای نزدیک ایران نظیر عراق و افغانستان و پاکستان در حوزه پتروپالایشگاه برنامه بلندمدتی دارند که بعضاً با مشکلات زیادی مواجه هستند، خصوصاً عراق و افغانستان. مثلاً به دلیل اینکه زیرساخت درستی در کشور افغانستان وجود ندارد و حتی بنزین در شهرهای مختلف این کشور با قیمت‌های متفاوتی عرضه می‌شود، این مساله بیانگر این است که هیچ مدیریت پیکار‌چ‌ای در افغانستان وجود ندارد.

همچنین کشور عراق مدت‌ها درگیر جنگ بوده است و زیرساخت‌های مناسبی طبیعتاً نخواهد داشت.

ترکیه و پاکستان نیز گرچه پیشرفت‌هایی داشته‌اند، اما باز هم به تأمین فرآورده‌های نفتی داخل خود نیاز دارند، به‌طور مثال در پاکستان به‌قدری مصرف سوخت در آنجا بالاست که ما هر چندر تولید داشته باشیم نمی‌توانیم نیازهای بازار این کشور را تأمین کنیم. ترکیه نیز ۵۰ درصد محصولات پتروپالایشگاهی‌را از دیگر کشورها وارد می‌کند. در همین پاکستان، روزانه سه میلیون، عراق هشت میلیون و افغانستان پنج میلیون لیتر بنزین وارد می‌کنند که اگر همین سه کشور را با دیگر کشورهای همسایه جمع کنیم، به عددی حدود ۲۴ میلیون بشکه بنزین می‌رسیم و این رقم بسیار بالایی برای ما می‌تواند باشد.

۹ در فروش فرآورده‌های نفتی افزایش ۴۰ درصدی داشتیم

به فرض رقتیم پتروپالایشگاه زدیم و فرآورده‌های نفتی را استخراج کردیم، آیا این تحریم‌هایی که الان وجود دارد شامل آنها هم می‌شود؟ ظرفیت ما در حوزه فرآورده نفتی به چه صورت است؟ ساخت پالایشگاه زمانبر و پرهزینه و دارای مهندسی بالایی است، آیا در این حوزه کشور ما ظرفیت دارد؟ فرآورده‌های پتروشیمی ما تحریم هستند و تحریم بانکی هم هستند اما محصولات پتروشیمی به‌راحتی تحریم بانکی را دور می‌زنند، چون حجم مبادلات در این نوع صادرات کم است، یعنی وقتی یک محموله با حجم پایین‌تر از یک میلیون بشکه نفت صادر می‌شود، قطعاً تراکنش پایین‌تر است و نمی‌توان همه آنها را رصد کرد. یک آماری که دوستان درآوردند، این است که صادرات فرآورده‌های پتروشیمی در بازه زمانی با صادرات نفت خام که با تحریم‌های زیادی همراه بود، با افزایش ۴۰ درصدی رویه‌رو شده است.

اما درباره ساخت پالایشگاه؛ برای ساخت پالایشگاه به سه شرط نیاز است: ۱-نیروی متخصص، ۲- تکنولوژی ساخت ۳- هزینه ساخت.

در جنبه فناوری و نیروی متخصص کسری وجود ندارد، به‌طور مثال ساخت پالایشگاه خلیج فارس یکی از نمونه‌های عینی استفاده از نیروی انسانی و فناوری است ولی در بحث تأمین مالی تاملاتی وجود دارد. پیش‌تر برای انجام این نوع عملیات‌ها از کشورهای خارجی فاینانس دریافت می‌شد و کار جلو می‌رفت، اما با تحریمی که صورت گرفت این کانال بسته‌شد. یک طرحی در مجلس هست که ما با استفاده از حجم نقدینگی ۱۹۰۰ میلیارد تومانی با ایجاد یک سری مشوق‌هایی برای بخش خصوصی بتوانیم آنها را وارد ساخت پتروپالایشگاه کرده و از ظرفیت داخلی‌مان استفاده کنیم. درحال حاضر ۳/۹ میلیون بشکه نفت در روز تولید داریم که ۱/۷ میلیون آن پالایش و ۲/۲ میلیون دیگر صادر می‌شود که با محدودیت‌های تازه‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم می‌توانیم این محدودیت فروش

نفت را روی فرآورده‌ها بیاوریم.

۹ راهکار تنفس خوراک

طرح پتروپالیشگاه با دو رویکرد می‌تواند قابل توجیه باشد: ۱- هدایت نقدینگی افسارگسیخته موجود در کشور که نشان داده است به هر جا برخورد کند، آن بخش نابود می‌شود (دلار، مسکن، خودرو و...) ۲- فاصله گرفتن از خام‌فروشی، بعد از آن اگر بتوانیم بازگشت سرمایه را درست کنیم، این طرح می‌تواند به جای خوبی برسد. در بحث مشوق‌ها و بازگشت سرمایه برای شرکت‌های خصوصی طرحی به‌عنوان «تنفس خوراک» وجود دارد، سازوکار آن به این صورت است که کشور بعد از تحریم‌ها، با کاهش یک میلیون بشکه نفتی رویه‌رو شد، ما از وزارت نفت درخواست کردیم این یک میلیون بشکه را به صورت تنفس خوراک به کسی که پتروپالایش می‌سازد، بدهد؛ یعنی این نفت را به صورت رایگان به مدت یک سال در اختیار کسی که پالایشگاه ساخته، قرار دهد تا آن بالانس سرمایه‌ای که قرار بوده در مدت ۱۳ سال انجام شود با طرح تنفس خوراک به حدود یک تا دو سال برسد که این مساله می‌تواند جذاب باشد.

۹ بورس نفت، آزادی عمل به خرداران داد

حمیدرضا اکبری بحث خام‌فروشی امر پسندیده‌ای نیست و در این مساله شکی نیست، اما همان‌طور که آقای حسینی گفت با توجه به اینکه بحث پتروپالایشگاه‌ها و فروش فرآورده‌های نفتی به جای خام‌فروشی، قطعاً زمانبر است و اگر از الان کار را به‌خوبی جلو ببریم که مثلاً تعداد مشخصی پالایشگاه داشته باشیم و مانند کشورهای دیگر که خودشان تولیدکننده نفت هستند، اما در مقابل واردکننده نفت هم به شمار می‌روند.... به‌عبارت دیگر این کشورها هم نفت را ذخیره می‌کنند و در کنار آن فرآورده‌های نفتی‌شان را نیز به فروش می‌رسانند ولی این مساله زمانبر است.

الان نیاز بودجه‌ای کشور به نفت باعث شده بخش قابل توجهی از مساله به موضوع فروش نفت اختصاص پیدا کند، امروز بودجه کشور براساس یک میلیون و نیم بشکه فروش روزانه بسته‌شده و به آن نیاز داریم، نه تنها در شرایط فعلی بلکه در آینده نیز نیازمند هستیم تا نفت‌مان را به طرقی بفروشیم. البته بورس نفت راهکاری را ارائه داد که یکی از آنها آزادی عمل برای مشتریان بوده است، درحالی که در سابق و حتی الان نیز به این گونه است که شرکت نفت به صورت سنتی موضوع فروش نفت را دنبال می‌کند و در فروش نفت وضعیت فعال نداریم و افرادی که در شرکت نفت نشست‌اند، هرچند آنها دغدغه فروش نفت را دارند، اما اگر نفت هم فروش نرود، آنها چون حقوق بگیر دولت هستند به مشکلی بر نمی‌خورند و اگر بخواهیم این مسیر فروش را تغییر دهیم که البته دولت نیز به این سمت رفته، باید بخش خصوصی را وارد حوزه فروش نفت کنیم که در اینجا چند موضوع مطرح می‌شود: اول اینکه محموله‌های فروش باید کاهش پیدا کند و الان ۳۵ هزار بشکه نفت حداکثر محموله هر فروش شده است، درحالی که در گذشته باید سفارش‌های بزرگی مانند یک میلیون بشکه نفت را می‌داشتیم تا دست به فروش می‌زدیم. همچنین شرکت ملی نفت، محموله را به هر کسی تحویل نمی‌داد و فروشنده باید دارای سابقه مشخصی بود اما الان دیگر مانند گذشته نیست و هر سرمایه‌گذاری تنها باید از لحاظ مالی بحث خرید محموله را تأمین کند و بعد می‌تواند محموله را بخرد، البته این خردار باید قبل از تحویل ضمانت‌نامه‌ای را بگذارد و بعد از آن محموله به آن تحویل داده می‌شود.

۹ در دو هفته ۷۰ هزار بشکه نفت در بورس به فروش رسید

نباید فراموش کنیم که بخش خصوصی انعطاف‌پذیر است و ارتباطات بسیار بیشتری نسبت به دولت دارد و می‌توانند محموله فروش‌رفته را به صورت رایالی با کشور تسویه کنند، البته در بورس نیز مولفه تسویه رایالی در نظر گرفته شده و الان بخش خصوصی می‌تواند به‌راحتی وارد معامله شده و ارز حاصل از فروش را تبدیل به ریال کرده و آن ریال را به بانک مرکزی تحویل دهند. بورس از آبان سال گذشته نفت را به‌صورت رسمی عرضه کرد و در مرحله اول دوم یک میلیون بشکه نفت به فروش رسید اما در عرضه سوم و چهارم استقبالی از آن صورت نگرفت و دلایلش هم معطلی عرضه نفت از سوی شرکت ملی نفت بود و زمانی که تداوم عرضه وجود نداشته باشد، بخش خصوصی نمی‌تواند



عکس، وحید سرابی افره‌یختگان

برای سرمایه‌گذاری بلندمدت به یک پالایشگاه خارجی اعتماد کند. همچنین در مرحله پنجم عرضه با توجه به تأکید مجلس ۳۵ هزار بشکه نفت به فروش رسید، البته این بازار نوپا است و هنوز جای پیشرفت زیادی دارد و شرکت‌های خارجی نیز می‌توانند وارد بورس نفت شوند. دو هفته گذشته نیز ۷۰ هزار بشکه نفت در بورس به فروش رسید، هرچند این محموله نسبت به یک میلیون بشکه بسیار کم است، اما همین مساله که بخش خصوصی وارد بورس شود، نشان می‌دهد بخش خصوصی توانسته است راه‌های دور زدن تحریم‌ها را پیدا کند. فروش نفت ایران تا قبل از بورس به‌طور کامل در دست امور بین‌الملل بوده و این انحصار مخالفت‌هایی را نیز به همراه داشته اما زمانی که بحث تحریم مطرح است و تصویب مجلس این است که ماهانه باید ۶ میلیون بشکه نفت در بورس عرضه‌شود، دولت مجبور به این عرضه در بورس است. اما انتقادات برای اینکه چرا این عرضه به صورت فعالانه نیست، وارد است؛ یعنی خود دولت باید بخش خصوصی را ترغیب کند که از بورس نفت بخزند و بسیاری از فعالان بخش خصوصی را داریم که اصلاً از چگونگی عرضه نفت در بورس اطلاعی ندارند، درحالی که اگر از تسهیلات در نظر گرفته‌شده برای خرید نفت در بورس آگاه شوند، قطعاً مشتری‌ها بیشتر می‌شود، اما الان بورس نفت سد خرید نفت را شکسته و بخش خصوصی تنها با تضمین دادن مالی می‌تواند نفت را از بورس خریداری کرده و به شرکت‌های دیگر بفروشد. قبل از اینکه معافیت‌های تحریمی از سوی آمریکا صادر شود یک میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت فروخته بودیم، البته با توجه به اینکه ماه آخر معافیت‌ها بود، قطعاً کشورها نفت زیادی خریداری کرده بودند، اما یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه معافیت داده شده بود، ما توانسته بودیم ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه به دور از معافیت‌های آمریکانفت را به فروش برسانیم. وزارت نفت از طریق کانال‌هایی که دارد و از طریق بورس نفت می‌تواند نفت را به فروش برساند و اگر وزارت نفت فعالانه وارد حوزه شود و بخش خصوصی را ترغیب کند و همتش را بر فروش نفت از طریق بورس بگذارد، ما در زمان کمتری می‌توانیم نفت زیادی را به فروش برسانیم و شاید تا چهار سال آینده بتوانیم کت نفت را از طریق بورس عرضه کنیم و اگر به بورس نفت اهمیت داده شود، بعدی می‌دانم فروش نفت‌مان به زیر یک میلیون بشکه هم برسد.

۹ ۵ درصد کل حجم نقدینگی کافی است

اگر روزی برسد که نفت ما به زیر ۴۰۰ هزار بشکه برسد، شامه به‌عنوان یک محقق دانشگاهی راهکار فوری می‌توانید پیشنهاد دهید؟

سیداحسان حسینی من یک توضیح درخصوص این طرح بدهم که کامل شود، گفتم این دو میلیون بشکه‌ای را که می‌خواهیم صادر کنیم و به فرآورده تبدیل کنیم، می‌شود در قالب هشت پتروپالایشگاه ۲۵۰ هزار بشکه‌ای این کار را ساماندهی کرد و برای ساخت هر پتروپالایشگاه، پنج میلیارد دلار سرمایه‌نیاز است، می‌توانیم هر سال با دو پتروپالایشگاه شروع کنیم، یعنی در هر سال نیاز به یک سرمایه ۱۰ میلیارد دلاری داریم که اگر یک حساب و کتاب ساده‌ای انجام دهیم، تنها با پنج درصد حجم نقدینگی کشور می‌توان این کار را تأمین مالی کرد و برای کسانی که سرمایه‌گذاری می‌کنند نرخ ۴۰ درصد در نظر گرفت که این مشوق خوبی است، البته باز هم جا دارد ما بخش خصوصی را تشویق کنیم، مثلاً زمین رایگان در اختیارشان قرار دهیم یا از مالیات معاف‌شان کنیم. درمورد راهکارهای کوتاه‌مدتی که شما گفتید یک سری راهکارها در مجموعه وزارت نفت هست و یک سری راهکارها غیرنفتی وجود دارد. راهکارهای نفتی این است که سفارتخانه‌هایمان را فعال کرده و با کشورهای خرید نفت رابزنی کنیم، اما در حوزه غیرنفتی باید بازه‌های پنهانی که به دهک‌های بالای جامعه تعلق می‌گیرد کنترل و مدیریت شود، یا در حوزه اصلاح نظام مالیاتی، کسری‌های احتمالی به‌راحتی برطرف شود.

۹ آیا سهمیه‌بندی بنزین هم در این حوزه تعریف می‌شود؟

سهمیه‌بندی بنزین ذیل این طرح‌ها بود اما دولت می‌خواهد قیمت بنزین را بالا ببرد. ما می‌گوییم لازم نیست این کار را انجام بدهید. شما دهک‌های بالای جامعه را که مصرف‌شان مثل آب و برق زیاد است، بالا ببرید تا خودبه‌خود این یارانه پنهان کنترل شود.